

گاهنامه هنر و مبارزه

6 دسامبر 2011

ترجمه توسط حمید محوی



A woman and her child just moments before they were killed.

<http://historyimages.blogspot.com/2009/09/babi-yar-massacre-ukraine-1941-1943.html>

سوریه : قتل عام ناتو نزدیک است

گزارش سازمان ملل متحد درباره سوریه به هم کاری اتاق
های فکری خصوصی در ایالات متحده نوشته شده است

نوشته تونی کارتالوچی

مرکز مطالعات جهانی سازی. 1 دسامبر 2011

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=27979>

par Tony Cartalucci



Mondialisation.ca, Le 1 decembre 2011
landdestroyer.blogspot.com

دروغ های بی شرمانه ای که «فعالان حقوق بشر» مطرح کرده اند به خشونت هایی توسط ناتو انجامیده است که هنوز نامی برای آنها در فرهنگ واژگان وجود ندارد. همین دروغ های بی شرمانه و بی نامی (مترجم : بی نام پدر) بود که نماینده بی پی («بریتیش پترولیوم») و شرکت نفتی به پشتیبانی مالی توتال، عبدالرحیم الکیب را در لیبی به قدرت رساند.

اکنون، همان منافع مالی- صنعتی، در طریق همان شبکه های تبلیغاتی، در حال پی ریزی مقدمات برای اجرای همان جنایات در سوریه هستند.

اخیرا آشکار شد که گزارشات شورای حقوق بشر در سازمان ملل متحد در مورد «جنایت علیه بشریت در سوریه» به همکاری کارن

کونینک، ابوزید، و یک اتاق فکری خصوصی در واشینگتن نوشته شده بوده است : به نام :

Middle East Policy Council (MEPC)

که مأموران «اکسون» (شبکه ایستگاه های خدمات اتومبیل)، مأموران سیا، نمایندگان دولتی، ارتش آمریکا و حتی رئیس اتاق بازرگانی آمریکا- و - قطر، و اعضای : ال جزیره، شورون، اکسون، کارخانه تولید مهمات نظامی ریتون (که تهیه مهمات ناتو در جنگ علیه لیبی را به عهده داشت) . بوئینگ در آن شرکت داشتند.

بزن و ببندهای منافع به اندازه ای عظیم است که تنها جنون و سازشکاری های رسانه های مشارکتی می توانست منشأ تهیه و پخش چنین گزارشاتی را ندیده بگیرد، و از نویسندگان های اصلی آن نامی نبرد.

گزارش سازمان ملل متحد (متن انگلیسی در فرمات پی دی اف) دلایل معتبری ارائه نمی دهد و بیشتر بر اساس شنیده هایی است که ژنو از افرادی به نام «قربانی» ف «شاهد عینی» و «فراری» گزارش کرده است. و این افراد غالباً به سازمان هایی که منافع خاصی در این بزن و ببند ها دارند تعلق داشته اند.

به عبارت دیگر، گزارشات سازمان ملل متحد دعوتی بود از دشمنان سوریه تا آن چه را که به نظرشان مناسب می رسید در مورد دولت حاکم بر این کشور را مطرح کنند. از سوی دیگر منتقدان سیاسی با صدای بلند اعلام کردند که دولت سوریه با سازمان ملل متحد هم کاری مناسبی نداشته است. ولی به احتمال قوی تر سازمان ملل متحد در تبانی با وال استریت و مرکز تجاری لندن (سیتی لندن) به همان شکلی که وضعیت مناسبی برای تهاجم نظامی به عراق، ساحل عاج و اخیراً لیبی فراهم آورد، این بار نیز در پی ایجاد وضعیت مناسبی برای حمله نظامی به سوریه برآمده است.

چگونه جنگ را باید آغاز کرد

با تحریف و تغییر شکل دادن واقعیت است که فراخوان مداخله نظامی صادر می شود. پس از انکار حضور مخالفان مسلح طی ماه ها، اتاق فکری «شورای روابط خارجه» (سی - اف - آر) که توسط وال استریت تأمین ملی می شود به شکل علنی می پذیرند که نه تنها تظاهر کننده ها مسلح بوده اند، بلکه یک ارتش مقاومت 15000 نفره نیز در منطقه حضور دارد. «شورای روابط خارجه» (سی - اف - آر) اعلام می کند که «ارتش مقاومت سوریه» تقاضای اسلحه و پشتیبانی هوایی کرده است.

گزارشات نشان می دهد که به پشتیبانی عناصر خارجی، و به ویژه از طریق ترکیه، لبنان، اسرائیل و کشورهای دور تر، اسلحه آزادانه وارد مرزهای سوریه عبور می شود. گزارشات «شورای روابط خارجه» به بررسی گزینش و امکانات ناتو برای تسهیل «تعویض رژیم» می پردازد که عبارت است از «سامانه دیدبان هوایی، تسهیلات لوژیستیک، پاسداران صلح، پهپادهای مسلح، هواپیمای جنگی، یگان های زمینی و سلاح های قاچاقی».

البته، شمار سربازان فراری از ارتش سوریه به همان اندازه بی پایه و اساس است که گزارشات سازمان ملل متحد درباره حقوق بشر. در هر صورت، داستان حضور نیروی مسلح مبارز که در داخل سوریه دست به عملیات می زند، با داستان دیگری که در رسانه های غربی تعریف می کنند، یعنی داستان کشتار مردم بی سلاح توسط ارتش سوریه در تناقض آشکار قرار می گیرد. با ارتشی معادل 15000 فراری از ارتش سوریه که سعی می کنند با پشتیبانی مالی و نظامی و پشتیبانی سیاسی از مرزهای خارجی قدرت را به دست گیرند، مشکل بتوانیم باور کنیم که دولت سوریه وقتش را برای کشتن شهروندان بی گناه تلف کرده باشد.

به همان شکلی که در مورد لیبی روی داد و یا در مورد هر کشور دیگری که غرب در پی ایجاد «انقلاب» بوده و موفق آمیز عمل کرده است، خشونت را که غربی ها برپا می کنند، همواره بخشی از

معادله از پیش تعیین شده است، طرحی که کاملاً از پیش پایه ریزی شده با پیامدهای خشونت آمیز آن، تنها رژیم حاکم را هدف می گیرد.

همان گونه که در گزارش بنیاد خصوصی بروکینگ نوشته شده است «کدام راه به سوی ایران؟»، راه اندازی پشتیبانی ارتش سایه برای تظاهرات اعتراضی به پشتیبانی ایالات متحده تنها یک گزینش ساده و اتفاقی نیست، بلکه وقتی با ملتی سر و کار پیدا می کنند که دارای نیروی امنیتی مسلح ماهر می باشد، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

در گزارش سازمان ملل متحد (متن انگلیسی در فرمات پی دی اف) درباره استفاده از نیروی نظامی برای پشتیبانی از انقلابات مردمی مطالبی گفته شده است (صفحه 109-110، در فرمات پی دی اف، صفحه 122-123):

«در نتیجه، اگر ایالات متحده باید شورش موفقیت آمیزی را علیه رژیم مذهبی سازماندهی کند، واشینگتن باید بداند که آیا باید آن را به شکل پشتیبانی نظامی انجام دهد، و در این صورت تهران در پی سرکوب آن بر خواهد آمد... چنین شرایطی به این معنا است که انقلاب مردمی در ایران نمی تواند در قالب «انقلاب مخملی» انجام گیرد، اگر چه در مناطق دیگر می تواند پاسخ مثبت بدهد. واقعیت این است که رژیم ایران بر خلاف کشورهای اروپای شرقی، حاضر نیست به شکل صلح آمیز قدرت را رها کند، و مبارزه تا پای مرگ را انتخاب خواهد کرد. در این صورت اگر شورشیان پشتیبانی نظامی نداشته باشند، این خطر برای آنها وجود دارد که کاملاً قتل عام شوند.

در این صورت، اگر ایالات متحده می خواهد این سیاست را پی گیری کند واشینگتن باید این احتمال را در نظر داشته باشد. این موضوع گزینش های مهمی را به فهرست اضافه می کند: سیاست باید بر اساس تضعیف ارتش ایران و یا تضعیف خواست رهبران برای استفاده هاز نیروی نظامی باشد، یا این که ایالات متحده باید برای مداخله و جنگ آماده باشد.»

بر این اساس، جنگ با اردوگاه دروغ و با همکاری رژیم های عروسکی غرب و رسانه هایی که کاملاً در تبانی با چنین طرحی هستند، آغاز

خواهد شد. رژیم فعلی سوریه به عنوان ناقض حقوق بشر ترسیم خواهد شد، در حالی پشتیبانی لوژیستیک و اسلحه در اختیار مزدوران قرار می دهند که پیوسته در حال گستردن مواضع خود بوده و به تحریکاتش ادامه می دهد. در نهایت، در حالی که «مانورهای قانونی» انجام می گیرد، این ارتش مزدور (مرسونر) از پشتیبانی هوایی و دریایی ناتو، نیروهای ویژه ناتو و احتمالاً یگان های مستقر در زمین که ترکیه را وارد میدان خواهد ساخت که به عنوان عضو ناتو از 1952، تا این جا به شکل گسترده علیه سوریه بسیج شده است.

چگونه جنگ را متوقف کنیم

در حالی که قدرتی که پشت این ماشین جنگی نشسته و جهان را زیر ضرب گرفته و توقف ناپذیر به نظر می رسد، منبع واقعی قدرتش در آینده تمام عیار زندگی روزمره ما منعکس می شود. ما، با گزینش این که چگونه وقتمان را می گذرانیم و یا چگونه پولمان را خرج می کنیم، چگونه توجهمان را متمرکز می کنیم، و چگونه مصارف این قدرت را در تخریب جهان تأمین می کنیم. اگر چه، شرکت در تظاهرات، انتخابات و فعالیت ها مهم هستند، آن چه اهمیت دارد این است که سوخت این ماشین را قطع کنیم. چنین امری برای ما به این معنا است که صنایع بزرگ، نهادها و شخصیت هایی که آن را تشکیل می دهند را تا مرحله از پا انداختن آن تحریم کنیم. ما باید دائماً در پی شناسایی این صنایع، نهادها و شخصیت ها باشیم و جنایات آنها را از طریق رسانه های آلترناتیو افشا کنیم، و با تحریم و با جایگزین ساختن راه حل های محلی اشتقاقی از سنت و نوآوری فنی، موجب ورشکستگی شان شویم.

بزرگترین نسل ها به گسترش فاشیسم در سال های 1930 و 1940 گفتند «هرگز»، با این وجود یک بار دیگر، ما شاهد بالا آمدن وال استریت و مرکز تجاری لندن به سوی اهداف مشمئز کننده قدرت و جنگ طلبی های توجیه ناپذیر هستیم. کاری کنیم که این نسل بگوید «هرگز نه به نام ما» و این حیوان را از گرسنگی اقتصادی به فرمانبرداری وادار کنیم. یعنی به همان شکلی این نظام ملت ها حاکم را به فرمانبرداری وادار کرد.

